

نکاتی در باره تظاهرات خیابانی اخیر در برزیل (2)

انتخاب و برگردان مطالب : مهدی کاظمی بید هندی

نکاتی درباره تظاهرات اخیر (ژوئن و ژوئیه 2013)

نوشته رودا ریچی Rudá Ricci 23 / 06 / 2013

جامعه شناس ، پژوهشگر و استاد دانشگاه

چه کسانی به خیابان آمده اند ؟

- 1- اکنون در لحظه بنیادی مردم سالاری برزیل در سده بیست و یکم قرار داریم . زمانی که با بزرگترین بسیج توده ها در سده کنونی مواجه ایم .
- 2 – در آغاز (همچنین با تداوم آن تا این لحظه) اکثریت قریب به اتفاق معترضین (که به 1.2 میلیون نفر در بیستم ژوئن کنونی رسیدند) متشکل از جوانان (حد اکثر تا 25 سال) طبقه متوسط ، بدون کمترین تجربه سیاسی قبلی هستند . 84 درصد تعلق به هیچ حزب و سازمان سیاسی ندارند . 71 درصد هم تاکنون در هیچ تظاهرات سیاسی شرکت نداشته اند .

ویژگیهای سازمان دهی

- 3- جوانان برای مشارکت در تظاهرات بطور عمده توسط شبکه های اجتماعی فرا خوانده شده اند. این ویژگی در واقع مبین شکل گیری واقعیت سیاسی جدیدی است که ، هرگز سابق بر این در برزیل به صورتیکه در بهار عربی مورد استفاده قرار گرفت ، مواجه نبوده ایم . ویژگی دیگر آن ، این است که : این جنبش فاقد رهبری سازمان یافته متعارف (حزب ، رهبر سیاسی، سازمانهای حرفه ای ، سندیکائی وان.جی.اُ ها) می باشد . روابط از طریق تماس ، میان کسانی که فرا میخوانند و دیگرانی که به این فراخوانها پاسخ مثبت داده و آنرا میپذیرند ، برقرار میگردد . به

بیانی دیگر در چنین وضعیتی ساختارهای نمایندگی سیاسیء قرن بیستمی ، بصورت رادیکال ، کنار گذاشته میشوند .
بقسمی که در برخی مواقع ، جوانان معترض نارضایتی و مخالفت خود را با ساختارهای مذکور ، بوضوح نشان میدهند .

4 - حرکت های اعتراضی درواقع با بسیج طرفداران جنبش ، پاس آزاد ، ام . پی . ال (MPL) جنبش اجتماعی برزیلی متشکل از فعالین با گرایش چپ که خواهان یک سیستم حمل و نقل همگانیء رایگان میباشد . (آغاز گردید . اما اعمال خشونت بیش از اندازه پی . ام . PM پلیس نظامی در روز 13 ژوئن در شهر سائوپائولو ، با معترضین ، بازتاب گسترده ای میان جوانان و والدین شان داشت . آنچه در آخر هفته بصورت گسترده ای در شبکه های اجتماعی مطرح گردید .

5 - در روزهای نخست ، اغلبء دولتهای محلی ، فرمانداران و بطور کلی مسئولین در مقابل این جریانات موضع روشنی نشان ندادند ؛ از همه نسنجیده وسخت ترموضع ، فرناندو حدّاد ، شهردار سائوپائولو بود که :
هرگونه کاهش بهای بلیط وسایط نقلیه همگانی را رد کرده وبا ان قاطعانه مخالفت نمود . (درحالی که کاهش مورد تقاضا فقط بیست سنت از بهای بلیط بود . اما هدف معترضینی که از جنبش پاس آزاد حمایت میکردند رایگان شدن ان بود .) در نتیجه ء مشکل برقراری ارتباط با معترضین خیابانی ، تصمیم واراده جوانان را برای ادامه تظاهرات از روز هفدهم ژوئن بعد دوچندان نموده ، بطوریکه شاهد اولین نشانه های ازدست رفتن کنترل و پیشگیری از عملیات تخریبی ، بودیم .

6 - از روز هجدهم ژوئن به بعد بیش از بیست فرماندار محلی باعقب نشینی در مقابل معترضین نرخ بلیط وسایط نقلیه عمومی در شهرهای خود را کاهش دادند . اقدامی که باعث شد شهردار سائوپائولو نیز از اقدام انها تبعیت نموده و نرخ بلیط وسایط نقلیه عمومی در شهر را کاهش دهد .

7- از روز بیستم ژوئن به بعد ، بتدریج اختلاف نظر درون اردوی تظاهرکنندگان ، حول طرح یک پیشنهاد مبتنی برخواسته های مشترک ، قابل مشاهده بود . اولین موضع درباره مطالبات عمومیء معترضین ، متشکل از پنج محور و انهم مشخصاً " متمرکز روی موضوع فساد اداری ، خطاب به دولت فدرال وکنگره ملی بود . بعد از

طرح مطالبات مذکور، برخی تشکیلات دیگر، بویژه کمیته های مربوط به برگزاری جام جهانی فوتبال، مطالبات و خواسته های دیگری را مطرح نمودند.

8- بازهم در روز بیستم ژوئن احزاب بزرگ کشور سعی نمودند، بگونه ای فرصت طلبانه از وضع بوجود آمده، به نفع حزبشان، بهره برداری نمایند. روئی فالکن Ruhi Falcon رئیس حزب کار برزیل PTB (حزب حاکم) دعوت به یک "موج سرخ" نمود؛ که انهم ناشی از ناخرسندی از اخراج جوانان میلیتنت حزب اش از صفوف معترضین بود. حزب مردمی سوسیالیست PPS بنوبه خود تبلیغات رایگان در تلویزیون برای معترضین ترتیب داده تا آنها بتوانند، دقیقاً در زمانی که 1.2 میلیون نفر در خیابانها هستند، از این طریق، دولت حاکم را به چالش بکشند.

اعمال خشونت زیادی توسط برخی گروههای متشکل از جوانان (در بخش حمل نقل شهری ریو د ژانیرو) انجام شد؛ که عمدتاً نتیجه تبلیغات ناخوش آیند پ.پ.اس بود.

9 - روز بعد، بتدریج در صفوف متظاهرين، عمده شدن موضوع فساد اداری و انتقاد از قانون * PEC-37 قابل مشاهده بود. ام.پ. ال. MPL جنبش پاس ازاد (جنبشی چپ، طرفدار رایگان شدن بلیط وسایط نقلیه همگانی) بعلت اینکه خواسته های تظاهر کنندگان را بیش از حد محافظه کارانه میپنداشت، تصمیم به خروج از صفوف معترضان گرفت.

10- از این زمان به بعد رقابت میان جریانهای ایدئولوژیک مختلف، احزاب، سندیکاها و تظاهر کنندگان بالا گرفته، این رقابت به کلهء جنبش تسری یافت. مطرح شدن موضوع انتخابات 2014 میان مطبوعات، رسانه ها و تظاهر کنندگان، موجب گردید رهبران احزاب هر کدام بنوبه خود نظراتشان را بیان نمایند. این این جرّ و بحث بعدی رسید که رئیس جمهور دیلما روسف مجبور گردد در شب 21 ژوئن به اظهار نظر و ایراد بیانات و توضیحاتی در شبکه ملی رسانه ای، مبادرت نماید.

11- راهپیمائی های روز 22 ژوئن به استثنای شهر بلوهوریزونته Belo Horizonte که در موارد معدودی به خشونت کشیده شد، در سایر نقاط به آرامی برگزار گردید. اما در این روز نشانه ای از افزایش تعداد

* پیشنهاد تصویب یک تبصره الحاقی، معروف به Peg-37، به قانون اساسی در سال 2011 بود که، در صورت تصویب می توانست، برای مقامات حکومت فدرال مصونیت پی گیری قضائی در رابطه با جرائم مختلف قابل شود. بدین ترتیب، از نظر معترضین امکان دارد، تصویب نامه مذکور، مانعی در راه مبارزه با فساد، ایجاد نماید.

شرکت کنندگان نبود ، و نشانه هائی از فروکش کردن و خاتمه اعتراضات دیده میشد ، در حالی که بنظر میرسید تظاهرات به مناطق داخلی کشور کشیده شده باشند .

خلاء رهبری

1- آنچه هر زمان بیشتر بنظر میرسد، این واقعیت است که دربرهه ای از زمان قراردادیم که کانالهای ارتباطی میان مردم معترض و دستگاه اجرائی و سایر سازمانهای ذینفع و مرتبط با امور مردم ، بشدت تضعیف شده است .

13- برپایه آنچه تاکنون شاهدیم ، از استقرار مجدد دموکراسی در برزیل تاکنون تقریباً " در هر دوره دهساله با موجی از اعتراضات مردمی مواجه بوده ایم . در سال 1982 با کمپاین برقرای سریع کاستیهای حقوق مدنی ، در سال 1992 با حرکت مردمی برای استیضاح دولت فرناندو کُولور Fernando Color و بلاخره در تظاهرات سال 1982 – که موجب شد ، احزاب ورهبران سیاسی که در اپوزیسیون با رژیم نظامی قرار داشتند ، بعنوان تاثیر گذار در همهء تصمیمات سیاسی مطرح شوند . در سال 1992 نقش افرینان سازمانهای دانشجویی خاصه او. ان. ئی UNE (اتحادیه ملی دانشجویان – م) اوبس Ubes (اتحادیه دانش آموزان برزیل – م) ، بودند . بدین ترتیب و با کمک این جریانات در سال 2002 لولا (Luiz Inácio Lula da Silva رئیس جمهور پیشین برزیل از حزب حاکم کار پ.ت.ب) بقدرت میرسد . از این پس طی دهسال بعدی سازمانهای مردمی ، سیاسی ، ان. جی. او. ها ، فعالان اجتماعی ، تشکیلات سندیکائی بتدریج مسئولیتهای سیاسی مختلفی را بعهده میگیرند . در موارد دیگر آنها وارد تشکیلات سیاسی دولت فدرال هم شدند . در مورد سوم دیگر رهبران و سران مذکور ، از طریق قراردادهائی با بخشی از خدمات عمومی ، در مراکز پژوهشی ، در زمینه های اجتماعی و سیاست گذاریهای دولتی ، مشغول شوند . در مورد مراکز سندیکائی آنچه در ادبیات تخصصی بنام neocorporativism یا مشارکت سازمانهای سندیکائی در فعالیت های سیاسی مربوط به ساختارهای حکومتی نامیده میشود . ظهور قدرت های اقتصادی ، مانند صندوقهای باز نشستگی و سایر امکانات مالی مربوطه ، موجب تغییرات ساختاری در وزارت کار گردید . در نتیجه ، این تحولات باعث افزایش تجدید

نظرهای دولت فدرال ، نسبت به مراکز سندیکائی ، یا مشارکت رهبران آنها در شوراهای تصمیم گیری ومدیریتی و آژانس های نظارتی تنظیم کننده (رگولاتور) شد .

14- تظاهرات خیابانی کنونی نشان میدهد ، امکان تاثیر گذاری احزاب چپ ، بیش از اینکه در خیابان باشد در کابینه ودر صحنه های سیاسیء درارتباط با ان است .

15- نسل جدید مدیریت سازمانهای عمومی ، حتی انهایی که متعلق به طیف چپ هستند ، اغلب با جنبشهای اجتماعی ویا ساختارهای طبقاتی که آنها را نمایندگی میکنند ، درارتباط نیستند . بلکه متشکل وجزئی از مدیریت ماشین دولتی ویا فن سالار (تکنوکرات) شده اند ؛ که این خود مبین واقعیت سیاسی ایست که بشدت دیوان سالارانه (بورکراتیزه) شده است . چنین وضعیتی موجب پیدایش نسل جدیدی از نمایندگان سیاسی در سطح اکثر احزاب شده است .

16 – دولت لولا با فاصله گرفتن از بحث ایدئولوژیکی ویا نقش آموزش دهنده (pedagogic) خود ، موجب تعمیق این شکاف خطرناک میان مدیران ، سیاست مداران و مردم خیابان شد . این شکاف در سالهای اخیر بگونه نگران کننده ای گسترش یافته است .

17- نکته دیگر اینکه ، بهره مند شدگان سیاستهای تعدیل درآمد ها، افزایش اعتبارات مردمی و حقوق حداقل ، خود را غیر سازمان داده شده و بدون تحرک ومحافظه کارانه نشان دادند . پژوهش های اخیر نشان میدهد، بخش مهمی از طبقه اجتماعی که درتحولات سالهای اخیربگونه محسوسی در آمدنشان افزایش یافت ؛ از آنجمله سندیکاها واحزاب ، هیچگونه مخالفتی با وضع موجود را پذیرا نیستند .

18- بلاخره اشتباه فاحش در رهبری احزاب وسازمان های مردمی را میتوان مشاهده نمود . حتی احزاب چپ ترحمچون ، PSOL (حزب سوسیالیزم و آزادی) و PSUT (حزب سوسیالیست کارگران متحد) که اعتراضات روزهای اخیر را آغاز نمودند ، دریافتند عدم ارتباط ریشه دارشان با امور روزمره مردم بگونه ایست که موجب شد ، بسیاری از میلیتنت هایشان ، توسط مردم از صفوف معترضین اخراج شوند . فریاده « حزب بی حزب » که بسرعت درتظاهرات سایر شهرها پخش شد ؛ نشان میدهد تا چه حد جوانان سیاست زدائی واز این احزاب رنجیده شده اند . اما در عوض توانء گرایش به آنارشسیسم وفاشیسم افزایش یافته است .

19- هنوز یک عنصر دیگری وجود دارد که میباید انعکاس یابد ؛ گذشته از غیبت سازمانها و احزاب در خیابانها ، مسئله درک این واقعیت است که : ایا ساختارهای تشکیلات مدرن (بویژه احزاب و سندیکاها) با نوعی اشتباه تاریخی *Anacronismo* مواجه اند ؟ ساختارهای مذکور انچنان سرگرم امور خود نبوده ، که عملاً " از زندگی روزمره اقشاری که آنها را نمایندگی میکنند ، دور بمانند ؟ زمان ان نرسیده که تغییر و تحولات ساختاری در چنین وضعیتی بوجود آید ؟ ساختارهای نو آور ، پویا و پرتحرک و قابل انعطاف بوده ، چون مشروعیت خود را از طریق ارتباطات وسیع کسب مینمایند .

در خاتمه

در واقع ، در لحظات حساس و تعیین کننده ، تاریخ سیاسی معاصرمان زندگی میکنیم .
بعد از مبارزه جهت پایان دیکتاتوری و بعدها انتخاب لولا ، اکنون در حال ورق زدن دفتر تاریخ معاصرء این مرحله ازموکراسی مان هستیم . تخطئه جوانان سیاست زدائی شده ، اشتباه بزرگی است ، که احتمالاً " برای رهبری سنتی که در راه کسب دموکراسی مبارزه کرده اند ، بسیار وخیم و غیر قابل جبران خواهد بود . صحیح این است که صبورانه و متواضعانه به انها گوش فرا دهیم . واقعیت این است که ، آنچه در خیابان مطرح میگردد چیزی نیست که اکثریت مردم برزیل (تهیدستان و کارگران) میپندارند . ولی مسلم است که تحرک و اعتراضات جاری موضوع مورد بحث روزانه همه برزیلی ها باشد . برداشت های جدید در حال شکل گیری است . نباید با رد این جریانات جدید ، مانع سازمان یابی و تغییرات ضروری سازمانها و تشکیلات مردمی و بلاخره تائید مجدد مشروعیت شان شد . مبارزه در خیابان است . میباید هویت جدیدمان را باز یابیم ، آنچه در سالهای 1980 به فراموشی سپرده شد .
جشن سیاسی مردم در خیابانها زیبا است . در مورد برزیلی باز هم بیشتر ، چونکه همیشه گرایش به کارنوالی نمودن سیاست دارد .